

(کمدی الهی)

برزخ

نویسنده: دانتہ آلیگیری

ترجمان:

محمد رضا رسوایی

هدی ملکی



انتشارات اردیبهشت

سرشناسه : داتنه الیگیری، ۱۲۶۵ - ۱۳۲۱ م.

Dante Alighieri

عنوان قرارداد: کمی الهی، برزخ

عنوان و نام پدیدآور: برزخ (کمدی الهی) / نویسنده: دانته

الگیری؛ مترجمان ہدی ملکی، محمدرضا رسولی؛ ویراستار

راضیہ السادات فروزان : سہیلا امامی

شخصیات نصر : تهران : اردیبهشت ، ۱۳۹۳ .

مُشَخَّصَاتٌ ظَاهِرِيَّةٌ : ٥٢٠ ص.

شماره: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۱-۰۳۱-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

سوره: شع: ایتالیایی -- قرن ۱۴م. -- ترجمه شده به فارسی

ص ۶ معر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از ایتالیایی

موضوع : شعر انگلیسی -- قرن ۲۰ م.

موضوع : لوزخ -- شعر

شناسه افزوده : ملکی، هدی، ۱۳۶۴ - مترجم

شناسه افزوده: رسولی، محمدرضا، [مترجم]، مترجم

شناسه افزوده: فروزان، راضیه السادات، ۱۳۵۵ -، ویراستار

شناسه افزوده: امامی، سهیلا، ۱۳۵۶ -، ویراستار

شناسه افزوده: دانته آلیگیری، ۱۲۶۵ - ۱۳۲۱ م. کمدی الهی

برگزیده

رده بندی کنگره : PQ4392 / I4 ۱۳۹۸

رده بندی نیوی : ۸۵۱/۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۵۷۱۹۶



انتشارات اردیبهشت

آدرس: تهران، خیابان ملا، خ ۱۲ فروردین، پلاک ۳۱۶ طبقه همکف

تلفن: ۶۶۴۸۱۸۶ - ۶۶۴۸۱۸۷ - ۶۶۴۹۷۶۱۳ - تلفکس: ۶۶۴۹۲۸۷۶

۱۳۱۴۶-۶۵۱۱۱

Pub_ordibeheht@yahoo.com

www.ordibehavetpub.ir

عنوان کتاب: برزخ (کمدی الہی)

شاہکار: دانتہ الیگیری

مترجم: ہدی ملکی، محمدرضا رسولی

ویراستار: راضیہ السادات فروزان، سہیلا امامی

مدیر امور فنی: امیر هوشنگ اسکندری

لیتوگرافی و چاپ: هنر آفاق

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۸

شایک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۱-۰۳۱-۸

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر دائم این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات اردیبهشت است.

هرگونه کپی برداری و تقلید از این اثر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
	دیباجه اول:
۲۹	ساحل جزیره برزخ، کائن
	دیباجه دوم:
۴۵	فرشته فایقران و جمعیت ارواح
	دیباجه سوم:
۶۱	برزخ مقدساتی، تکفیرشدگان
	دیباجه چهارم:
۷۵	برزخ مقدساتی، برزخ به کندگان
	دیباجه پنجم:
۹۱	برزخ مقدساتی، برزخ نوبتندگان و مرگ رقتبار
	دیباجه ششم:
۱۰۹	برزخ مقدساتی، دیر نوبتندگان و مرگ رقتبار
	دیباجه هفتم:
۱۲۳	برزخ مقدساتی، دره حکمرانان سبیلانگ
	دیباجه هشتم:
۱۴۱	برزخ مقدساتی، دره حکمرانان سبیلانگ
	دیباجه نهم:
۱۵۵	دروازه‌ی برزخ اصلی، فرشتی نگهبان
	دیباجه دهم:
۱۷۵	برزخ اصلی، طبقه اول: مغروران
	دیباجه یازدهم:
۱۸۹	برزخ اصلی، طبقه اول: مغروران
	دیباجه دوازدهم:
۲۰۳	برزخ اصلی، طبقه اول: مغروران
	دیباجه سیزدهم:
۲۱۹	برزخ اصلی، طبقه دوم: حسودان
	دیباجه چهاردهم:
۲۳۵	برزخ اصلی، طبقه دوم: حسودان
	دیباجه پانزدهم:
۲۴۹	برزخ اصلی، طبقه دوم: حسودان، طبقه سوم: خشمگینان
	دیباجه شانزدهم:
۲۶۳	برزخ اصلی، طبقه سوم: خشمگینان

	دییاجه هفدهم:
۲۷۹	برزخ اصلی، طبقه سوم: خشمگینان
	دییاجه هجدهم:
۲۸۹	برزخ اصلی، طبقه چهارم: کاهلان
	دییاجه نوزدهم:
۳۰۳	برزخ اصلی، طبقه چهارم: کاهلان، طبقه پنجم: خسیسان و ازمنندان و اسرافکاران
	دییاجه بیستم:
۳۱۹	برزخ اصلی، طبقه پنجم: خسیسان و ازمنندان و اسرافکاران
	دییاجه بیست و یکم:
۳۲۷	برزخ اصلی، طبقه پنجم: خسیسان و ازمنندان و اسرافکاران
	دییاجه بیست و دوم:
۳۴۹	برزخ اصلی، طبقه ششم: یکم، برستان
	دییاجه بیست و سوم:
۳۶۳	برزخ اصلی، طبقه ششم: یکم، برستان
	دییاجه بیست و چهارم:
۳۷۹	برزخ اصلی، طبقه ششم: یکم، برستان
	دییاجه بیست و پنجم:
۳۹۳	برزخ اصلی، طبقه هفتم: شهوترانان
	دییاجه بیست و ششم:
۴۱۱	برزخ اصلی، طبقه هفتم: شهوترانان
	دییاجه بیست و هفتم:
۴۲۳	برزخ اصلی، طبقه هفتم: شهوترانان
	دییاجه بیست و هشتم:
۴۳۷	بهشت زمینی، مایلدا
	دییاجه بیست و نهم:
۴۵۱	بهشت زمینی، گردونه
	دییاجه سی ام:
۴۶۷	بهشت زمینی، بنابر بس
	دییاجه سی و یکم:
۴۷۹	بهشت زمینی، ندامت دانه. لته
	دییاجه سی و دوم:
۴۹۱	بهشت زمینی، درخت اسرار آمیز
	دییاجه سی و سوم:
۵۰۵	بهشت زمینی، انوئه

مقدمه

کمدی الهی یک اثر فلسفی است که با زبان نمادین به توصیف سیر و سیاحت دانته به عالم تخیلات متافیزیکی می‌پردازد.

ظهور دانته در اواخر قرون وسطی بوده است؛ دورانی که کم کم مقدمات رنسانس در حال فراهم شدن بوده. بسیاری بر این باورند که اندیشه دانته در این حرکت عظیم تاریخی بی‌تأثیر نبوده است.

این اثر در سه جلد دوزخ، برزخ و بهشت نگاشته شده و شامل سروده‌های زیبا و سرشار از حکمتی است که مجموعه‌ای از باورها و عقاید مسیحی، اساطیر یونان و روم قدیم و اتفاقات واقعی زمان نویسنده را در خود گنجانده است.

شکی نیست که اولین و مهم‌ترین مسافر این سفر روحانی، خود دانته است که با کنجکاوی و موشکافی به مرحله طی طریق می‌کند و از کوره‌راه‌های عجیب و غریب می‌گذرد و آن را برای ما نیز توصیف می‌کند. او نخست طی مراحل دوزخ را به راهنمایی و برزخ را شاعر بزرگ لاتینی که نماد خرد بشری است، آغاز می‌کند؛ اما باقی راه به محل برزخ و بهشت را به همراهی معشوقه‌اش، بناتریس که نماد عشق الهی است، می‌گذراند.

سفر دانته از دوزخ شروع می‌شود و با برزخ و نهایتاً بهشت ادامه پیدا می‌کند. دوزخ همان‌طور که در کتاب پیشین گفته شد، در اعماق زمین مستقر است. برزخ بر روی زمین و بهشت در آسمان‌ها است. در کمدی الهی، برزخ همراه با عذاب‌هایی سبک‌تر از عذاب‌های دوزخ است و عده‌ای از گناهکاران باید این مرحله را تجربه کنند تا تطهیر یابند و بتوانند از آن عبور کرده و به بهشت برسند. دانته در نگارش کتاب برزخ بیش از کتاب مسیحیت از قوه خیال خود بهره برده است؛ زیرا همان‌طور که خودش نیز

به این نکته اشاره می‌کند: «وجود برزخ از اصول قدیمی آیین مسیح نیست و در اسلام نیز جایی به نام برزخ در حد فاصل بهشت و دوزخ منظور نشده است.»

شجاع‌الدین شفا معتقد است که اعتقاد به برزخ در نتیجه احساس مسئولیت روحانیون مسیحی که خود را صاحب‌اختیار تام در قضاوت و داوری نسبت به اعمال مسیحیان می‌دانستند، به وجود آمد. از این رو با تعبیر و تفسیر احادیث، گذشتگان به وجود برزخی قایل شدند که ارواح باید با پرداخت کساره به تدریج از گناهان پاک و شایسته عروج به آسمان گردند. و نیز موضوع تپشیه، تطهیر روح پیش از صعود به بهشت متأثر از آیین مانوی ایرانی است.

سفر برزخ از مراحل سه‌گانه دانت به دنیای جاوید است. مرحله دوم، مرحله پشیمانی و توبه و بعد فراموشی از گناه است. شاعران بعد از پشت سر گذاشتن دوزخ، ظلمت و تاریکی، در طول راهی دراز و باریک به راه افتادند. آنها در سیزدهم روز یکشنبه غروب کردند؛ یعنی دهم آوریل سال ۱۳۰۰ بر جزیره برزخ پا گذاشتند و سرانجام از سوی کره زمین که درست مقابل نیم‌کره خاکی و سکون است، سر درآوردند و آنجا رستاره را بالای سرشان مشاهده کردند.

سفر شاعران در دنیای برزخ آغاز می‌شود. برخلاف سفر دوزخ که در آن شاعران سرگردان، هر قدر پیش می‌رفتند، احساس آزرده‌گی و خستگی بیشتری می‌کردند و هر چه جلوتر می‌رفتند، راهشان سخت‌تر می‌شد، در برزخ سفر شاعران در روشنی و هوای پاک و به سمت بالا صورت می‌گیرد و برخلاف سفر دوزخ، دانت و ورژیل در برزخ پیوسته به سمت راست می‌روند. این آن قسمت از برزخ را شامل می‌شود که به ترتیب شامل ساحل

برزخ، برزخ مقدماتی و برزخ اصلی است. آنها در ساحل برزخ با کاتن مواجه می‌شوند و هر قدر به طبقات بالاتر پا می‌نهند، احساس سبک‌بالی بیشتری می‌کنند و هنگام رسیدن به بهشت زمینی اثری از سختی‌های راه را در خود نمی‌یابند.

کاتن نگهبان جزیره برزخ است و در واقع، همه ارواح برای ورود به برزخ و گذر از آن، باید با او مواجه شوند و وقتی که از بهشت زمینی به راهنمایی کاتن با بال‌های پر از عشق، نه با پای عقل، راهی افلاک می‌شوند و سفر برزخ را آغاز می‌کنند، سبک‌بال و پاک آماده صعود به ستارگان می‌شوند.

درک این تمثیل از نظر درک مفهوم کار بسیار دشواری است؛ اما از نظر کسانی که مرحله دوزخ را خوانده‌اند، درک این تمثیل آسان‌تر است. مجموعه طولانی این سفر که از راه‌راهی مملو از مشکلات و سختی‌ها و از وادی گناهکاری به سرمنزله رستگاری و معنویت صورت می‌گیرد و در حقیقت، جهاد با نفس خویش است؛ سفر سه مرحله اول سفر دوزخ، مرحله‌ای است که شاعران از وادی گناه عبور می‌کنند و با بصیرت و آشنایی به خطاهای خود پی می‌برند. در مرحله دوم، سفر سوی آدمی، به درون روح و نفس خویش است؛ یعنی، مرحله پشیمانی و توبه است که آدمی دوران گناهکاری را پشت سر گذاشته و گامی برای تطهیر خود برمی‌دارد و هر چه بتواند در این راه پیش‌تر برود در واقع، سنگینی بار گناهان او کمتر می‌شود و تا جایی پیش می‌رود تا در بهشت زمینی؛ یعنی در مرحله‌ای از رضایت وجدان و سعادت ابدی قرار بگیرد و حتی خاطره گناه را نیز با خوردن آب جویبار به فراموشی بسپارد و به سوی سفر سوم، مرحله طهارت و پاکی گام برمی‌دارد.

بنابراین سفر شاعران در برزخ، سفر به دنیایی در حدفاصل دوزخ و بهشت است که از نظر مفهوم معنوی، حد فاصل گناه و رستگاری است. در واقع، در مرحله توبه و پشیمانی است که روح آدمی آماده نجات خود است که قسمت‌های برزخ دانته و تقسیمات نده گانه و طبقات هفتگانه او بر همین پایه پدید آمده است.

بای روشن ساختن مطالبی که در این کتاب آمده است و دانته آن را با مشاهدات، استعاره‌ها و کنایه‌ها در آمیخته، می‌توان برزخ را از نظر جغرافیایی که دانته آن را رسم کرده و زمینه کار خود قرار داده است و برای درک حقیقی کمدی الهی، به‌طور خلاصه مورد مطالعه قرار داد.

برزخ دانته از نظر جغرافیایی

دانته برزخ را از نظر ظاهری (جغرافیایی) این‌طور توصیف می‌کند: جزیره برزخ، کوه بسیار بلند و بزرگ است که آن سوی کره زمین و درست در مقابل نیم کره خاکی و مسکون است. کوه بلند برزخ در مقابل بیت المقدس قرار دارد و از طرفی رود گنگ، در شمال کره زمین و مابین بیت المقدس و برزخ است که منظور، همان کوه صهیون در اورشالم است که به گفته تورات مقر «یهود» است. خط استوا هنگامی که مابین دو نیم کره‌ای واقع شود، در آن نیم کره زمستان و در نیم کره دیگر تابستان است؛ بنابراین، خط استوا که مابین نیم کره قرار دارد، پیوسته میان تابستان و زمستان قرار دارد؛ زیرا این دو مکان در دو نیم کره، مقابل هم و در روبه‌روی هم قرار دارند. پس خط استوا در شمال برزخ و در جنوب اورشالم قرار دارد و عبریان که ساکنان اورشالم هستند آن را در جنوب می‌بینند.

از نظر دانته، در آنجا در تپه «جلجتای» حضرت مسیح به شهادت می‌رسد و با شهادتش سبب شفاعت بسیاری از ارواح می‌گردد و مسبب آمدن ارواح

به برزخ و بهشت می‌شود. به عقیده دانته طبق فرضیه بطلمیوس، «زمین شکل کره‌ای دارد که افلاک به دور آن می‌چرخند و طبق فرضیه بطلمیوس، دایره این ملک بزرگ‌ترین شعاع را دارد و همین باعث می‌شود که کندتر از بقیه افلاک بچرخد و هر صد سال، تنها یک درجه گردش دورانی داشته باشد.» به اعتقاد دانته، نیمه شمالی این کره، خاکی و مسکون است و نیمه جنوبی آن براس اقیانوس پهناور است که هیچ خشکی در آن نمی‌توان یافت و درست در قطب جنوب، جزیره‌ای قرار دارد که از میان آن، کوه بسیار بلند و بزرگ، نمودن می‌می‌کند که از بلندی آن، با چشم نمی‌توان قله‌اش را دید و این همان کوه برزخ است و به هفت طبقه اصلی تقسیم می‌شود و بهشت زمینی در بالای آن قرار دارد. در سه جای دیگر کمدی الهی، دانته بلندی این کوه را این‌طور توصیف می‌کند: «من نگاه خود را به سوی بلندترین قله دوختم که از میان دریا سر برافراشته، به سمت آسمان بالا رفته است و قله صخره چنان بلند بود که به چشم دیده نمی‌شد و راه چنان رو به بالا بود که شیب آن، از شیب خطی که مرکز دایره را به همه ربع محیط اتصال می‌یابد، تندتر بود و بلندترین کوهی است که از دل آب‌های جهان سر برافراشته است.

راهی که دانته و ویرژیل برای رسیدن به جزیره و کوه برزخ طی می‌کنند، کوره‌راهی در میان بروناتوس است که از راه دوزخ می‌گذرد و از مرکز زمین مستقیم به سمت بالا می‌رود تا به جزیره برزخ برسد؛ اما ارواح حق عبور ندارند و مسیر ایشان اقیانوس بی‌کرانی است که نیمه جنوبی کره را فرا گرفته است.

جالب‌ترین چیزی که دانته در کمدی الهی، در کتاب برزخ بیان می‌کند، ارواحی برزخی هستند که بهشتی تشخیص داده شده‌اند و پس از مرگ، از

رودی به نام «تیر» که در ایتالیا جاری است و از شهر روم، کنار واتیکان می‌گذرد و به دریای مدیترانه می‌ریزد، می‌گذرند. ارواح برای وارد شدن به برزخ و بهشت باید در ساحل آن گرد آیند تا قایقران که فرشته‌ای سبک‌بال است، آنان را بر قایق خود بنشاند و از اقیانوس بگذراند و در جزیره برزخ پیاده کند و دوباره خود، برای آوردن ارواح دیگر باز گردد. و عجیب‌تر از آن، این است که قایقران موظف نیست همه ارواح را به محض رسیدن به آنجا بر قایق بنشاند، بلکه او می‌تواند به میل خود آن ارواح را تا هر وقت که بخواهد در همان جا بی‌تکلیف و سرگردان بگذارد و ارواح دیگر را، که دیرتر آمدند، بر قایق سوار کند؛ ولی دانته در این مورد نظریه استعاری خاصی داشته است که هنوز مفسرین توضیح کاملی در این باره نداده‌اند.

کاتن، نگهبان جزیره برزخ، شخصی است که تنها ساکن جزیره برزخ است و یکی از نکات غیرقابل‌درک کمدی الهی دانته، همین است که کاتن از بزرگان رومی بوده که در زمان جنگ‌های داخلی روم، در قرن اول پیش از میلاد مسیح، به طرفداری از پمپئوس علیه سزار وارد جنگ می‌شود؛ زیرا معتقد بود که پیروزی سزار برابر با استقرار اصل دیکتاتوری و حکومت مطلقه در روم است. زمانی که سزار به پیروزی دست می‌یابد، کاتن خودش را می‌کشد تا شاهد از دست رفتن آزادی روم نباشد.

سوال این است که چگونه دانته چنین شخصی را که او مسیحی نبوده، دوم این که مرتکب گناه خودکشی شده است که مجازات آن محکومیت جاودان در طبقه هفتم دوزخ است، پاسدار بهشت خود کرده است؟ و تنها توجیهی که می‌توان برای این بیان کرد این است که کاتن به خاطر «آزادی» خودکشی کرده است و آزادی چنان گران‌بهاست که اثر هر جرمی را از بین می‌برد.

کوه برزخ کوه بلند و بزرگی است که هرچه از آن بالاتر می‌روند، کوچک‌تر می‌شود و شامل ساحل برزخ، برزخ مقدماتی و برزخ اصلی است. در ساحل برزخ ارواحی هستند که برای وارد شدن به برزخ و بهشت باید در ساحل آن گرد آیند و توسط قایقران حمل شوند، همانگونه که در دوزخ گناهکاران در ساحل رود آکرون جمع می‌گشتند. منظور از «آن قسمت از رود تیر که آبش شور می‌گردد»، قسمتی است که رود تیر به دریا می‌پریزد و آبش از شیرینی به شوری می‌گراید.

دوم، برزخ مقدماتی است؛ دانه و ویرژیل بعد از ترک ساحل برزخ، به برزخ مقدماتی می‌رسند. آنها گذر از برزخ مقدماتی را دشوار می‌یابند. طی کردن این مسیر دشوار در دل صخره‌ها به این موضوع اشاره دارد که ترک گناهان و دست یافتن به رستگاری آسان حاصل نمی‌شود و مستلزم طی کردن سختی‌هاست. در برزخ مقدماتی ارواح کسانی هستند که تا پایان زندگی خویش تکفیر نموده و تا آخرین لحظات عمرشان از خدا غافل بوده‌اند؛ اما در نهایت، قبل از مرگ توبه کرده‌اند و وارد برزخ شده‌اند و باید سی برابر زمانی که کوتاهی و غفلت نموده‌اند، پایین کوه را انتظار به سر برند تا در نهایت به آنها اجازه داده شود که به سمت قله صعود کنند. در طبقه مقدماتی، ارواح مختلفی به سر می‌برند. ارواحی هستند که در دنیا بر تکب گناه کوتاهی و غفلت، نسبت به خداوند شده‌اند و توبه کردن را تا پایان عمرشان به تأخیر انداخته‌اند؛ بنابراین برای جبران این کوتاهی باید مدتی به اندازه تمام زندگی‌شان در آنجا به سر برند.

در طبقه مقدماتی برزخ، ارواح قاصر به سر می‌برند که در معرض تحولات جوّی باد، باران، طوفان و زلزله قرار دارند. همچنین در طبقه مقدماتی برزخ دره‌ای سبز و خرم وجود دارد به نام «دره پادشاهان» که در

آن گناهکاران ممتاز قرار دارند. این ارواح کسانی هستند که مقام پادشاهان و حکمرانان را داشته‌اند و پیوسته تمام وقت خویش را برای جاد، منزلت و امور دنیوی سپری کرده‌اند و همین امر آنها را از یاد خدا غافل نموده است و چون این ارواح قبل از مرگ توبه کرده‌اند و همین باعث شده که به برزخ وارد شوند.

برزخ از این طبقه مقدماتی، برزخ اصلی شروع می‌شود که این طبقه شامل هفت طبقه یا حلقه است. تنها توصیف دقیق و مشخصی که دانتۀ در تمام برزخ خود داده است، این است که این طبقات هفتگانه، هر کدام به صورت زمینی مسطح، به عرض سه برابر قامت یک آدمی و به پهنای پنج متر که به شکل نواری حلقه را گرد برد کوه را فرا گرفته؛ یعنی در دامنه آن تراشیده شده است؛ و در هر طبقه ارواح برزخی هستند که کفاره گناهان خویش را می‌دهند. طول این حلقه‌ها کم و زیاد گردد کوه تراشیده شده‌اند، بسیار زیاد است. تعداد ارواح برزخی در این طبقات کمتر از ارواح دوزخی است و این ارواح برخلاف ارواح دوزخ جاوید در آن می‌مانند، ارواح برزخی پس از گذراندن مدت کیفر خود به طبقات بالاتر می‌روند و جای خود را به دسته‌ای دیگر می‌سپارند؛ و هر طبقه از این طبقات هفتگانه برزخ به وسیله پلکانی باریک به طبقه بالا اتصال پیدا می‌کند که در کنار هر کدام از این پلکان‌ها فرشته‌ای نشسته است که به وضع رهسپاران حلقه‌های بالا رسیدگی می‌کند و در واقع، نگهبان آن حلقه است. طول پله‌ها بسیار زیاد است. در ورودی برزخ برخلاف دروازه جهنم که عریض و گشاد است و هیچ کس را مانع ورود به آن نیست، دری کوچک است و نگهداری دارد که تا به صلاحیت کسی یقین نکند، به او اجازه داخل شدن نمی‌دهد و دلیل اختلاف آن کاملاً واضح است؛ زیرا در گناه همیشه به روی آدمی باز است؛

اما گذشتن از در رستگاری دشوار است؛ و دانته این فکر را از انجیل گرفته است.

در طبقه اول برزخ، در سطح زمین، تصاویری حجاری شده است که این تصاویر بسیار واقعی به نظر می‌رسند و در این تصاویر عده زیادی از مغروران و بخشی از سرگذشت آنها دیده می‌شود. در این طبقه، ارواح کسانی هستند که در دنیا با غرور و تکبر خویش، سر کرده‌اند؛ اما قبل از مرگ توبه نمودند و همین امر باعث شده که به برزخ وارد شوند. در این قسمت به این شکل مجازات می‌شوند که بارهای سنگین بر پشت خود حمل می‌کنند و سنگینی این بار به قدری است که باعث شده آنها کاملاً خم شوند و سرشان به زمین برسد و هر کس گناه بیشتری داشته باشد، پشتش خمیده‌تر و بارش سنگین‌تر است. این افراد تا زمانی که گناه غرورشان تسویه شود، زیر این بار سنگین به سر می‌برند؛ در حالی که شایسته وارد شدن به بهشت اعلی‌ شوند. مجازات این دسته از بررخیان به این شکل است؛ چون آنها در دنیا با غرور و خودبرتربینی می‌زیسته‌اند، پیوسته سرشان به بالا افراشته بوده است و دیگران را پایین‌تر از خود می‌دانستند، اینک باید زیر باری سنگین خم شوند و سرشان را پایین بیندازند.

دانته و ویرژیل وارد طبقه دوم برزخ می‌شوند. در طبقه دوم نیز دیگر نقش و تصویری وجود ندارد و همدجا سراسر خاکستری‌رنگ است که نمادی از حسد و حسودان است. در واقع، این طبقه، جایگاه حسودان است. در این طبقه، صدای ارواحی شنیده می‌شود که آنها را دعوت به مهر و محبت، عشق و محبت می‌کنند و این اصوات تازیانه‌هایی برای مجازات آنهاست. در اینجا حسودان لباس‌های خاکستری‌رنگ، به رنگ دیواره‌ها و جاده بر تن دارند و تشخیص آنها از اطرافشان مشکل است. چشمان آنها با

رشته‌های آهنین به هم دوخته شده است و از نور خورشید بهره‌ای نمی‌برند؛ چرا که آنها در دنیا به دیده حسد و دشمنی به دیگران نگریسته‌اند و چشم دیدن خوشبختی و پیشرفت کسی را نداشته‌اند.

پس از طی کردن طبقه دوم، به طبقه سوم می‌رسند که خود را با دود سیاه و عظیم گرفتار می‌بینند و بار دیگر ظلمت دوزخ به تصویر کشیده می‌شود. در طبقه سوم صداهایی که در حال خواندن دعا هستند، شنیده می‌شود. این صداهای مربوط به ارواحی است که به گناه خشم آلوده‌اند و در طبقه سوم برزخ، در میان دو ظلمتی انبوه و تیره به سر می‌برند و برای تهذیب روح خویش دعا می‌خوانند. آنان کسانی هستند که در دنیا هنگام خشم، بر آن کنترلی نداشته‌اند و اجازه داده‌اند تا خشم و خروششان، همچون حجاب و ظلمت در برابر دیدگانشان قرار گیرد و مانع دیدن حقایق شود. در این طبقه ارواحی بودند که سرگذشت و سرانجامی جز غم و اندوه نداشتند.

طبقه چهارم برزخ، طبقه‌ای که در آن صدای ارواحی که در حال دویدن هستند، شنیده می‌شود. این ارواح، گناهکاران طبقه چهارم، به جرم تنبلی و کاهلی در انجام دادن نیکی‌ها محکوم هستند تا در این طبقه پیوسته با شتاب در حال دویدن باشند و لحظه‌ای از سرعت خود نمانند و آنها مجبورند برای تطهیر خویش به عملی عکس آنچه انجام داده‌اند، بپردازند و این‌گونه مجازات شوند.

وقتی شاعران به طبقه پنجم می‌رسند، ارواحی را می‌بینند که سرود مذهبی می‌خوانند. در طبقه پنجم برزخ، ارواحی هستند که با شکم بر زمین خفته‌اند، در حالی که می‌گیرند، چشم بر زمین دوخته‌اند، از نگاه کردن به آسمان محرومند، حق تغییر دادن وضعیت خود را ندارند و باید ثابت و بی‌حرکت به همان حال باقی بمانند تا روزی که از گناه خویش تطهیر یابند.